

## کدام استان‌ها در اشتغالزایی تعاونی‌ها موفق ترند؟

معاون امور تعاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی رتبه‌بندی بهترین عملکرد حوزه تعاون استان‌ها را اعلام کرد. به گزارش ایرنا، سیدحمید کلانتری با بیان اینکه در چهار سال گذشته سه استان کشور برتر شدند، افزود: «این استان‌ها به ترتیب استان فارس با ۱۹۰۰ تعاونی، خراسان رضوی با ۱۵۰۰ تعاونی و تهران با ۱۰۰۷ تعاونی هستند که استان تهران به لحاظ سرمایه‌گذاری برترین تعاونی کشور در چهار سال گذشته بود.» وی بیان داشت: «از هفته تعاون سال گذشته تا هفته تعاون امسال ۳۳۰۰ تعاونی در کشور با ۵۳۱ هزار و ۵۰۰ فرصت شغلی با ۸۳ هزار عضو فعال شدند.»

یکشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۹۶ ● شماره صد و هجده

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

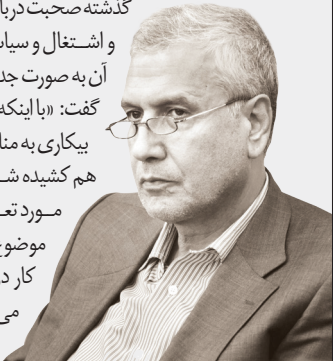
وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی تمرکز بر سیاست‌های بازار کار را یکی از راهکارهای مبارزه با فقر معرفی کرد

## اشتغال در گیر سیاست‌زدگی شده است

که حتی وقتی دولت‌ها با مشکل نقدینگی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، باید سرمایه به بازار کار تزریق شود.» ربیعی موفق نبودن سیاسی‌های اشتغالزایی را ناشی از دقیق نبودن برنامه‌های اشتغالزایی دانست و افزود: «کشور ایران یک‌درصد جمعیت کل جهان را داراست در حالی که درصد جمعیت شاغل آن ۹/۱ درصد است و همین عدم تناسب مشکلات فراوانی ایجاد و نیازهای متعددی را خلق کرده است.» وی یکی از مشکلات اصلی حوزه اشتغالزایی در یک‌دهه اخیر را فقدان کفایت سرمایه معرفی و خاطرنشان کرد: «تفکری که می‌گوید ابتدا تولید شکل گیرد تا اشتغال خلق شود، از اساس نادرست است. چراکه الگوهای جهانی نشان می‌دهد

موضوع نشان می‌دهد، اشتغال درگیر سیاست‌زدگی شده است.» علی ربیعی در نخستین کارگاه‌بین‌المللی مطالعات بازار کار با اشاره به‌پنجره جمعیتی ایران و ضرورت استفاده‌بهینه از آن اظهار کرد: «این پنجره در کوتاه‌مدت موجب افزایش شمار بیکاران می‌شود؛ اما باید بدانیم اقتصاد ایران در بهترین حالت می‌تواند سالانه ۵۰۰ هزار شغل ایجاد کند. باید در سیاست‌های مدیریت بازار کار، ۱۵ تا ۳۲ هزار میلیارد تومان از تولید ناخالص ملی را به بازار کار اختصاص دهیم و با این کار پنجره جمعیتی را از تهدید به فرصتی برای رشد تبدیل کنیم.»وی با تأکید بر اینکه چنین حجمی از سرمایه از رهگذر سیاست‌های مالیات‌ستانی قابل دسترس است، اظهار کرد: «بررسی‌ها نشان می‌دهد

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با بیان اینکه در دو دهه گذشته صحبت درباره مقوله بیکاری و اشتغال و سیاست‌گذاری‌های آن به صورت جدی مطرح شده، گفت: «با اینکه در دو سال اخیر بیکاری به منازعات سیاسی هم کشیده شده اما بیشتر در مورد تعداد بیکاران و موضوع یک ساعت کار در هفته صحبت می‌شود و همین



کمبود شد ید منابع آبی، کشاورزی را محدودتر کرده، با این وضع چه بلایی سر اشتغال در بخش کشاورزی می‌آید؟

# بحران آب یعنی بیکاری کشاورزان



سه‌م اشتغال کشاورزی در ایران از ۶۵ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۳ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است.

جمله بخش کشاورزی را گواهی می‌دهد. این نشان می‌دهد بخش کشاورزی با وضعیت فعلی که به طور کلی در کشور ما غیرمکانیزه اداره می‌شود، یک تهدید برای منابع آبی به شمار می‌آید.

#### ■ روی اشتغالزایی کشاورزی حساب کنیم؟

تحقیقی در سال ۱۳۹۲ در استان همدان با عنوان «تحقق توسعه اقتصادی از طریق اشتغال بخش کشاورزی» انجام شده است. این تحقیق که توسط احمدرضا خرمی، دکتری مدیریت و کارشناس برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی صورت گرفته نشان می‌دهد خیلی هم نباید روی اشتغالزایی مستقیم بخش کشاورزی حساب کرد. نتایج

سهم از اشتغال	بهار ۱۳۹۵ (درصد)	تابستان ۱۳۹۵ (درصد)	پاییز ۱۳۹۵ (درصد)	زمستان ۱۳۹۵ (درصد)	بهار ۱۳۹۶ (درصد)
کشاورزی	۱۹/۱	۱۹/۴	۱۷/۳	۱۶/۱	۱۸/۷
صنعت	۳۱/۴	۳۱/۵	۳۲/۱	۳۲/۵	۳۱/۵
خدمات	۴۹/۴	۴۹/۱	۵۰/۶	۵۱/۴	۴۹/۸

تحقیقی در استان خراسان رضوی با عنوان «بررسی پتانسیل اشتغالزایی بخش کشاورزی در عرصه‌های اقتصاد شهر و روستا» در سال ۱۳۹۱ انجام شده است که نتایجی متفاوت را به دست داد. به این ترتیب که بخش کشاورزی از نظر شاخص‌های کشش اشتغالزایی رتبه دوم را در این استان داشته و درخصوص اشتغالزایی مستقیم در رتبه اول خراسان رضوی قرار دارد.

پیش‌بینی

۶۶

#### ■ کشاورزی؛ یک تهدید برای منابع آبی؟

در چند دهه اخیر رشد جمعیت و توسعه فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی باعث شده تا فاصله بین نرخ تجدید و نرخ بهره‌برداری از آبخوان‌ها افزایش یابد و این شکاف، در نتیجه وقوع خشکسالی‌ها، بسیار عمیق شود؛ به طوری که کارشناسان، مدیریت بر مصرف منطقی منابع آبی آبخوان‌ها بالاحص در بخش‌های بر مصرف و کم‌صرفه اقتصادی از

#### ■ فر شاد عزیزی ●

● روزنامه نگار ●

آمارها را که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم سهم بخش کشاورزی از اشتغال در اقتصاد ایران، ماه‌به‌ماه رو به کاهش است. اتفاقی که از بهار ۱۳۹۵ تا بهار ۱۳۹۶ به وضوح قابل مشاهده است. عده‌ای این مسئله را به مکانیزه‌تر شدن کشاورزی در ایران ربط می‌دهند؛ می‌گویند هر چقدر، کشاورزی، مکانیزه‌تر شود، طبیعتاً نیروی انسانی لازم برای کار بست در بخش کشاورزی، کمتر می‌شود و ماشین‌ها جای انسان‌ها را می‌گیرند. این روند در کل دنیا نیز مشاهده می‌شود. یعنی روز به‌روز اشتغال در بخش کشاورزی کمتر می‌شود. اما این به معنی کاهش ارزش افزوده بخش کشاورزی یا کاهش سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی کشورها نیست؛ اما شاید یک دلیل دیگر هم برای این کاهش محسوس در ایران قابل بررسی باشد و آن «بحران آب» است. کاهش شدید منابع آب زیرزمینی باعث شده تا بسیاری از کارشناسان تأکید کنند که در این وضعیت، بخش کشاورزی را نباید بیش از پیش حسیم کرد. بحران آب قربانی‌هایش را هم می‌گیرد، نمونه‌اش دو هفته پیش که بیطرف، کاندیدای وزارت نیرو با وجود حمایت همه‌جانبه صنعتگران و فعالان صنایع آب و برق، نتوانست رأی اعتماد مجلسیان را بگیرد. «بیطرف» و «کشاورزی»، شاید اولین قربانیان بحران آب در ایران باشند.

#### ■ رأی اعتمادنگرفتن بیطرف؛ هشداری برای دغدغه «کشاورزی»

همه چیز به روز رأی‌گیری نمایندگان مجلس برای وزیر پیشنهادی نیرو بازمی‌گردد. روزی که قرار بود حبیب‌الله بیطرف، وزیر نیروی دولت دوازدهم شود. سخنرانی‌ها و لابی‌های گسترده نمایندگان مخالف او، یک نخ تسبیح واحد داشت؛ فارغ از گرایش‌های سیاسی، بحث بر سر آب بود. بحران آب، نور خود را حالا به فضای سیاست کشور نیز تابانده است و همه فهمیده‌اند چقدر اوضاع وخیم است. نمایندگان مردم ساکن در استان‌های جنوب غرب کشور و در اصطلاح، زاگرس‌نشین، طلاهداران مخالفت با وزیر خوش‌نام پیشنهادی نیرو بودند. آنها مطالبه‌شان واضح بود: «آب زاگرس را به مرکز نبرید!»؛ اما بیطرف که قرار بود وزیر نیرو دولت «همه» ایرانیان شود، نمی‌توانست صلاح یک منطقه را بر منطقه دیگر ترجیح دهد، به همین خاطر رأی اعتماد نگرفت. این یک توجه مهم است، اما مهم‌تر از وزیر شدن یا نشدن بیطرف، بخش کشاورزی است که متهم به استفاده بی‌رویه از منابع آبی است. بخشی از اقتصاد که حالا آمارها از کاهش اشتغال در این بخش خبر می‌دهند.

#### ■ کشاورزی؛ یک تهدید برای منابع آبی؟

در چند دهه اخیر رشد جمعیت و توسعه فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی باعث شده تا فاصله بین نرخ تجدید و نرخ بهره‌برداری از آبخوان‌ها افزایش یابد و این شکاف، در نتیجه وقوع خشکسالی‌ها، بسیار عمیق شود؛ به طوری که کارشناسان، مدیریت بر مصرف منطقی منابع آبی آبخوان‌ها بالاحص در بخش‌های بر مصرف و کم‌صرفه اقتصادی از

#### ■ یادداشت ●

● حجت‌الله میرزایی ●

### صنعت و خدمات، جای کشاورزی را می‌گیرند

نگاهی به آمارهای بخش‌های سه‌گانه اقتصاد ایران اعم از کشاورزی، صنعت و خدمات نشان می‌دهد بخش کشاورزی در دوره اخیر هم در قسمت اشتغال و هم در قسمت ارزش افزوده با یک کاهش اندک مواجه شده و در عین حال به میزان سهم اشتغال و ارزش افزوده دو بخش دیگر یعنی خدمات و صنعت تا حدی اضافه شده است.
معتقدم نگرانی در این باره نمی‌تواند چندان مبنای درستی داشته باشد چرا که نتایج پژوهش‌های جهانی و ملی و تجزیه و تحلیل روندهای توسعه در کشورهای پیشرو نشان می‌دهد این موضوع یک نشانه کاملاً طبیعی است.
نگاهی دوباره به این آمارها هم نشان می‌دهد مهم‌ترین مشخصه تغییرات ساختاری در اقتصاد یک کشور، تغییرات تدریجی سهم ارزش افزوده و سهم اشتغال در هر بخش است. در این نگرش به‌طوری کلی انتظار می‌رود سهم اشتغال و میزان ارزش افزوده بخش کشاورزی به‌طور پیوسته کاهش یابد و به جای آن، این سهم صنعت است که به‌طور فزاینده‌ای افزایش پیدا می‌کند. به‌طور کلی چیزی که در عمده تجربیات موفق جهانی مشترک بوده کاهش سهم ارزش افزوده و سهم اشتغال بخش کشاورزی در کل اقتصاد در کنار افزایش ارزش مطلق تولیدات کشاورزی است.
درواقع مادر تغییرات ساختاری بایک روند معقول و کلی مواجهیم که پس از کاهش سهم کشاورزی، نخست این بخش صنعت است که افزایش چشمگیری یافته و بعد از یک دوره اوج، به شکلی باثبات راه خود را ادامه می‌دهد تا خدمات به‌طور فزاینده‌ای رشد کنند. ما باید با رشد سریع‌تری مواجه می‌شویم یعنی شتاب تغییر جایگاه این سه بخش و میزان سهم هر یک از آنها در اقتصاد چه در بعد ارزش افزوده و چه در بعد اشتغال باید بسیار سریع‌تر و قوی‌تر از میزان فعلی رخ می‌داد. اگر بپذیریم که این روند کلی یعنی تغییر سریع جایگاه و سهم سه بخش مختلف اقتصاد، نشانه‌ای از سلامت و صحت روند تغییرات ساختاری در یک روند رو به توسعه است، ناچاریم بپذیریم که آهنگ کند فعلی چیزی جز ناتوانی دو بخش صنعت و خدمات در جایگزین کردن منابع یعنی نیروی کار و سرمایه برای حرکت سریع‌تر نیست.
از این رو باید گفت اقتصاد ایران در زمینه تغییرات ساختاری موفق عمل نکرده است. در طول دو دهه اخیر ارزش مطلق بخش کشاورزی افزایش محسوسی داشته و قابل کتمان نیست اما به دلیل آهنگ بسیار کند رشد اقتصادی در ایران، حتی در دوره اخیر هم رشد بخش کشاورزی همپای رشد جی‌دی‌پی یا از آن جلوتر بوده است. اگر این مفروض را بپذیریم پس ناگزیریم قبول کنیم حتی مسیر رشد بخش کشاورزی در دوره فعلی نیز همسو با رشد جی‌دی‌پی کشور بوده و اندازه این بخش در مقایسه با دو بخش صنعت و خدمات کم نشده است. این نشانه، مهم‌ترین دلیل برای فهم این موضوع است که تغییرات ساختاری چنان که باید و شاید در ایران به سرانجام نرسیده و نتیجه موفقیت‌آمیزی به دنبال نداشته است؛ اما موضوع دیگری که در کنار کاهش آماری سهم بخش کشاورزی در کل اقتصاد ایران در دوره اخیر مطرح می‌شود، اثرات بحران آب بر بازدهی بخش کشاورزی است که به نظر می‌رسد این مورد مردود است و بحران آب فعلاً اثرات خود را بر میزان رشد و ارزش افزوده این بخش هویدانمی‌کند.
در واقع اگر مسئله‌ی آبی در دو دهه اخیر بحرانی بود می‌بایست تأثیر خود را روی ارزش افزوده و سهم بخش کشاورزی نشان می‌داد و هر دو را نزولی می‌کرد و آنها را به کمتر از میزان فعلی تقلیل می‌داد. البته برخی آمارها از کاهش سهم این بخش از میزان ۲۴ تا ۱۱ درصد از سال ۱۳۶۳ تا سال ۸۳ حکایت دارد که چندان معتبر نیست و نیازمند یک بررسی دقیق‌تر است. ولی حتی با وجود این فرض هم ما می‌بینیم که نه تنها میزان اشتغال بخش کشاورزی کم نشده بلکه ثابت مانده اما ارزش افزوده رشد چندان‌ی نداشته که به معنی نزول شدید میزان بهره‌وری بخش کشاورزی است. چیزی که نگران‌کننده است همین موضوع کاهش بهره‌وری است که خبر خوبی از اقتصاد ایران مخابره نمی‌کند.

معاون اقتصادی وزیر تعاون، کار و امور اجتماعی



## کتیو ۰۳